

حشر حیوانات در قیامت بر اساس تفاسیر المیزان و مجمع البیان

اکرم اسکندری^۱

چکیده

یکی از مسئله‌های مهم که زمینه را برای بهشت و جهنم فراهم می‌سازد مسئله حشر است. در این مورد، یکی از موضوعات مهم، حشر حیوانات می‌باشد. حشر را جمع کردن، برانگیختن و بیرون آوردن موجودات از جایگاهشان در روز قیامت تعریف کرده‌اند. آیاتی از قرآن به مسئله حشر حیوانات پرداخته که در مقاله حاضر، دو آیه از این آیات بر اساس تفاسیر المیزان و مجمع البیان به شیوه کتابخانه‌ای و با روش توصیفی بررسی شده است و یافته‌های آن این است که امت دانستن حیوانات از جانب قرآن هم حکایت از فهم آن‌ها از هستی دارد و هم معلوم می‌کند که دارای هدفی مشخص و مشترک در زندگی دنیوی خود هستند و وجود این دو عامل سبب شده است که قرآن، آن‌ها را مانند انسان بداند و برای آن‌ها حیات اخروی مطرح سازد.

کلیدواژه: حشر، حشر حیوانات، قیامت، وحوش

۱. طلبه سطح دو، پایه پنج حوزه علمیه الزهرا سلام الله علیها زنجان.

زندگی انسان ها در این دنیا با مرگ پایان می پذیرد، ولی هرگز این به معنای پایان زندگی نیست، بلکه آغاز نوعی زندگی دیگر است که تا ابدیت ادامه دارد. هر کسی در زندگی کوتاه خود فرصت این را دارد تا خود را برای ابدیت بسازد و این فرصت بر اساس آموزه های قرآنی هرگز تکرار نخواهد شد. بنابراین جهان دیگر و حیات پس از مرگ، یکی از ضروریات دین اسلام است که بسیاری از آیات قرآن درباره آن وارد شده است. در مورد معاد یکی از مسائل مهم محشور شدن موجودات می باشد. حشر به معنای جمع کردن، برانگیختن و بیرون آوردن موجودات از جایگاهشان در روز قیامت می باشد.

در میان مخلوقات خدا، وحوش جایگاه ویژه ای دارند. چرا که ادامه حیات انسان بدون رابطه و تعامل با حیوانات امکان پذیر نیست. از طرفی این صنف از مخلوقات پروردگار، تنها گروهی هستند که همانند انسان ها حیات همراه با تحرک و احساس دارند. لذا این موضوع می طلبد که با آن ها به گونه ای متفاوت با سایر مخلوقات رفتار شود. بارها دیده ایم که حیوانی با ظلم و ستم حیوان دیگری، آزرده می شود یا جان خود را از دست می دهد. حال این سؤال پیش می آید که آیا حیوانات هم روز قیامت محشور می شوند و در مقابل اعمال خود مسئولند؟

در این باره بیشتر مفسران و متکلمان بر این باورند، که حیوانات نیز همانند انسان ها در قیامت محشور می شوند و برای اثبات ادعای خود به آیاتی از سوره های انعام و تکویر که به مسئله ی حشر پرداخته است، استناد کرده اند. خداوند در این آیات می فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا..... ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ»؛ «و هر جنبنده ای در زمین و هر پرنده ای در هوا که به دو بال پرواز می کند، همگی طایفه هایی مانند شما هستند. ما در کتاب هیچ چیز را فروگذار نکردیم، آن گاه همه به سوی پروردگار خود محشور می شوند».^۱ «وَإِذَالْوُحُوشُ حُشِرَتْ»؛ «و آن گاه که حیوانات وحشی، برانگیخته و گرد هم می آیند».^۲ مقالات متعددی این موضوع را از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار داده اند، که عبارتند از: حشر حیوانات از دیدگاه ملاصدرا و ضرورت آن، نوشته صبا کوهساری، حشر حیوانات از دیدگاه علامه طباطبایی و فخر رازی، نوشته ی

۱. انعام، آیه ۳۸.

۲. تکویر، آیه ۵۰.

روح الله زینلی و حشر حیوانات از منظر عقل و نقل، نوشته ی رحیم لطیفی و محمد داوود کریمی. در این نوشتار سعی شده این موضوع بر اساس تفاسیر المیزان و مجمع البیان بررسی شود.

۱- معنای حشر

حشر به معنای جمع کردن است؛ «ذَالِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ»؛ «آن جمع کردنی که بر ما آسان است».^۱ حشر را برانگیختن و بیرون آوردن گروه و جماعت از جایگاهشان در روز قیامت و روانه کردن آن ها از آن جا به سوی جنگ یا نظیر آن امور و کارها نیز تعریف کرده اند. واژه ی حشر درباره ی انسان و غیر انسان به کار می رود و جز درباره جماعت و گروه به کار نمی رود.^۲

۲- صحنه ی محشر

محشر جایگاهی را گویند که در روز قیامت انسان ها در آن مکان تجمع می کنند و حساب پس می دهند؛ یعنی پس از آن که نفخه احیا توسط اسرافیل دمیده شد و همه مردگان زنده شدند، همگان به فرمان الهی روانه صحنه محشر شده و در آن جا گرد هم می آیند و به نامه های اعمال و رفتار آن ها رسیدگی می شود و پس از آن سرنوشت هرکس بنا به آن چه استحقاق دارد تعیین و به جایگاه ابدی اش در بهشت یا جهنم روانه می گردد.

قرآن کریم درباره ی حتمیت وقوع حشر می فرماید: «يَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا»؛ «به خاطر بیاور روزی را که همه انسان ها را محشور می کنیم».^۳

حضرت علی علیه السلام حضور مردم در صحنه ی محشر را چنین توصیف می کند: «در روز قیامت خداوند مردم را از گورهایشان برمی انگیزاند، در حالی که برهنه هستند. در بیابانی هموار، گرد می آورد. از شدت شلوغی و ازدحام جمعیت از راه رفتن باز می مانند و به سختی نفس می کشند. سرپای

۱. قرشی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۱۴۴.

۲. ق، آیه ۴۴.

۳. راغب، المفردات، ج ۱، ص ۴۹۴.

۴. یونس، آیه ۲۸.

آنان را عرق فرا می گیرد، و از شدت ناراحتی فریاد می زنند و این اولین مرحله از سختی های روز قیامت است»^۱.

۳- شباهت انسان ها و حیوانات

خداوند در سوره انعام می فرماید: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا..... ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ»؛ «و هر جنبنده ای دز زمین و هر پرنده ای در هوا که به دو بال پرواز می کند، همگی طایفه هایی مانند شما هستند. ما در کتاب هیچ چیز را فروگذار نکردیم، آن گاه همه به سوی پروردگار خود محشور می شوند»^۲. که در کتاب المیزان با توجه به نظر علامه، این آیه خطابش به مردم است و می فرماید حیوانات زمینی و هوایی، همه امت هایی هستند مثل شما مردم و معلوم است که این شباهت تنها از این نظر نیست که آن ها هم مانند مردم دارای کثرت و تعددند، چون جماعتی را به صرف کثرت و زیادی عدد، امت نمی گویند بلکه وقتی به افراد کثیری امت اطلاق می شود که یک جهت جامعی، این کثیر را متشکل و به صورت واحدی درآورده باشد و همه یک هدف را در نظر داشته باشند حال چه آن هدف، هدف اجباری باشد و چه اختیاری.

همچنان که از این نظر هم نیست که این حیوانات انواعی و هر نوعی برای خود امتی است که افرادش هم در نوع خاصی از زندگی و ارتزاق و نحوه مخصوصی از تناسل و تولید مثل و تهیه مسکن و سایر شؤون حیات مشترکند، زیرا اگر چه این مقدار اشتراک برای شباهت آن ها به انسان کافی است، لیکن از اینکه ذیل آیه فرموده: «ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ»؛ «آن گاه همه به سوی پروردگار خود محشور می شوند» استفاده می شود که مراد از این شباهت، تنها شباهت در احتیاج به خوراک و جفت گیری و تهیه مسکن نیست، بلکه در این بین جهت اشتراک دیگری هست که حیوانات را در مسأله بازگشت به سوی خدا، شبیه به انسان کرده است.^۳

۱. علامی، معاد در قرآن و روایات، ج ۱، ص ۸۹.

۲. انعام، آیه ۳۸.

۳. طباطبایی، المیزان، ج ۷، صص ۱۰۳-۱۰۴.

بنا به نظر امین الإسلام طبرسی در کتاب مجمع البیان، حیوانات به دو دسته قابل تقسیم‌اند: دسته ای از آن‌ها جنبندگان و جاندارانی هستند که بر روی زمین در حرکت و گردش‌اند و دسته ای دیگر در آسمان پرواز می‌کنند.

ممکن است این پرسش مطرح شود که چرا خدا می‌فرماید: «و نه هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می‌کند» همین اندازه که می‌فرمود پرنده ای که با بال خود پرواز می‌نماید روشن بود، چرا آن گونه فرمود؟

پاسخ این است که این تعبیر تنها برای بیان روشن تر مطلب است، درست به سان گفتار فرمانروایی که به یکی از کارگزارانش می‌گوید: در پی خواسته‌ی من پرواز کن! که منظور سرعت و شتاب در کار است و گرنه فرد که پرواز نمی‌کند. با این بیان برای اینکه فردی پرواز را، شتاب و سرعت نپندارد، خدای فرزانه آن گونه روشنگری فرموده است.

پاره ای نیز برآیند که: آفریدگار فرزانه بدان دلیل آن گونه فرمود که ماهیان دریا نیز در کران تا کران دریاها و اقیانوس‌ها به نوعی پر می‌کشند و پرواز می‌کنند اما نه بسان پرندگان بال دارند و نه پرنده به شمار می‌روند.

به هر حال آیه شریفه نظر به همه موجودات زنده دارد؛ خواه پرنده باشند و صاحب بال، و یا بر روی زمین راه بروند این موجودات بی شمار، گوناگون‌اند و هر نوع از آن‌ها نیز دارای شماری بسیار و فراوانند و به انسان‌ها از جهاتی شباهت دارند.

در مورد شباهت آن‌ها به انسان‌ها، نظراتی آمده است:

۱. به باور برخی منظور این است که آنان بسان انسان‌ها آفریده‌ی خدای یکتا هستند و هر کدامشان نشان و دلیل بر قدرت و عظمت و علم و حکمت آفریدگار خویش‌اند.

۲. به باور برخی دیگر، منظور این است که آن‌ها نیز بسان انسان‌ها در موضوع تغذیه، پوشش، خواب و بیداری و راهیابی به چگونه زیستن، نیازمند تدبیرگری فرزانه‌اند تا خطوط زندگی شایسته و بایسته را برای آنان ترسیم نماید.

۳. و پاره‌ای می‌گویند: منظور این است که آن‌ها بسان شما می‌میرند و پس از مرگ دگرباره برانگیخته می‌گردند.

خلاصه اینکه تلاش و اعمال فکری بشر در این گونه موارد برای این است که نافع بودن یا مضر بودن یک عمل را برای خود مسلم سازد.

پس حیوانات هم مانند آدمیان تا اندازه ای از موهبت اختیار برخوردارند، زیرا در بسیاری از موارد، حیوانات بخصوص حیوانات اهلی را می بینیم که در بعضی از موارد که عمل مقرون با موانع است حیوان از خود حرکاتی نشان می دهد که آدمی می فهمد این حیوان در انجام عمل مردد است و در بعضی موارد می بینیم که ملاحظه نهی صاحبش و از ترس شکنجه اش یا به خاطر تربیتی که یافته از انجام عملی خودداری می کند.

این ها همه دلیل بر این است که در نفوس حیوانات هم حقیقتی به نام اختیار و استعداد هست. او نیز می تواند یکجا حکم کند به لزوم فعل و جایی دیگر حکم کند به وجوب ترک؛ ملاک اختیار هم همین است.

وقتی صحیح باشد که بگوییم حیوانات هم تا اندازه ای اختیار دارند هر چه هم ضعیف باشد، چرا صحیح نباشد احتمال دهیم خدای سبحان، حد متوسط از همان اختیار ضعیف را ملاک تکالیف مخصوصی قرار دهد که مناسب با افق فهم آنان باشد و ما از آن اطلاعی نداشته باشیم؟ و یا از راه دیگری با آن ها معامله مختار کند و ما به آن معرفت نداشته باشیم؟ و خلاصه راهی باشد که از آن راه پاداش دادن به حیوان مطیع و مؤاخذه و انتقام از حیوان سرکش، صحیح باشد و جز خدای سبحان کسی را بر آن راه آگهی نباشد؟^۱

۸- عمومیت حشر

با توجه به نظر امین الاسلام طبرسی در تفسیر مجمع البیان قسمت آخر آیه ۳۸ انعام که خداوند می فرماید: «ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ»؛ «پس به سوی خدا محشور می شوند»، اشاره دارد به اینکه پس از اینکه موجودات از این جهان رفتند و مردند، همگی در روز رستاخیز به سوی پروردگارشان محشور خواهند شد، درست مانند انسان ها که برانگیخته می شوند و هر کدام در خور عملکرد شایسته و عادلانه یا کردار زشت و ظالمانه خویش پاداش و کیفر خود را دریافت خواهند داشت.

۱. طباطبایی، همان، صص ۱۱۱-۱۱۴.

از ابوهریره آورده اند که: «در روز رستاخیز آفریدگار هستی همه موجودات و آفریده های خویش را بر می انگیزد. در آن روز است که خدا انتقام حیوان بی شاخ را از شاخ زن، در پرتو عدل خود می گیرد؛ و آن گاه آن را به خاک تبدیل می سازد. به همین دلیل است که کفرگرا و بیدادگر می گوید: ای کاش من نیز خاک بودم!»^۱ [يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ... وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي تُرَابًا].

بنا به نظر علامه طباطبایی جمله «ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ»؛ «پس به سوی خدا محشور می شوند»، عمومیت حشر را تا حدودی که شامل حیوانات هم می شود بیان می کند و از آن بر می آید که زندگی حیوانات، نوعی از زندگی است که مستلزم حشر به سوی خداست، همانطوری که زندگی انسانی مستلزم آن است و لذا ضمیر «هِمْ» را که مخصوص ذوالعقول و صاحبان شعور است درباره حیوانات به کار برده و فرمود: «إِلَى رَبِّهِمْ» و نفرموده: «إِلَى رَبِّهَا» و این خود اشاره است به اینکه ملاک اصلی رضای خدا و سخطش و ثواب و عقابش در حیوانات نیز هست.^۳

۹- سخنی از معتقدین به تناسخ

برخی از علما استدلال کرده اند که آیه ۳۸ سوره انعام در مورد مسأله تناسخ است و گفته اند که روح آدمی بعد از مرگ و مفارقت از بدن متعلق به بدن حیوانی می شود که طبع آن با فضایل و رذایل اخلاقی وی متناسب باشد؛ مثلاً شخص مکار و حيله گر وقتی می میرد روحش به کالبد روباهی منتقل می شود و شخص فتنه انگیز و کینه توز جانفش در بدن گرگ حلول می کند و اگر مرد با سعادت و دارای فضایل نفسانی باشد روحش به بدن نیکانی از افراد انسان که از سرمایه ی سعادت خویش متنعمند، متعلق می شود و روی این حساب معنای این آیه چنین می شود: «هیچ حیوانی از حیوانات نیست مگر اینکه امت هایی از انسان، مانند خود شما بوده اند و بعد از مرگ هر کدام همینطوری که می بینید به صورت حیوانی درآمده اند».

با توجه به نظر علامه طباطبایی (ره) بطلان این حرف با توجه به چیزهایی که گفته شد روشن می شود و کاملاً واضح است که معنای آیه با این معنایی که کرده اند فرسنگ ها فاصله دارد. و این که

۱. طبرسی، همان، ص ۲۸۳.

۲. نبأ، آیه ۴۰.

۳. طباطبایی، همان، ص ۱۱۷.

انتقال به بدن های دیگر، حشر به سوی خدا نیست، بلکه مراد از حشر حیوانات، مرگ آن هاست نه اینکه بعد از مرگ دوباره زنده می شوند.^۱

بر اساس تفسیر مجمع البیان، این دیدگاه، خرافه و بی اساس است و با دستاویز ساختن آیه نیز کاری از پیش نخواهند برد. زیرا حیوانات در این که محشور می گردند شباهت به انسان ها دارند، نه از نظر تکلیف و مسئولیت. اگر بخواهیم با دستاویز ساختن این آیه شریفه بگوییم جنبندگان و حیوانات از هر جهت و هر بعدی شبیه به انسان ها هستند ناگزیر باید گفت آن ها در سیما، صورت، سیرت، عملکرد، رفتار، کردار و خلق و خو مانند انسان هainد. آیا این منطق خردمندانه است؟^۲

۱۰- حشر حیوانات وحشی

آیه ۵ سوره تکویر، حشر وحوش را تأکید می کند که خداوند در این آیه می فرماید: «وَإِذَا لُوحِشُ حُشِرَتْ»؛ «و آن گاه که حیوانات وحشی را گرد آورند». کلمه و حوش، جمع وحش است و این کلمه به معنای حیوانی است که هرگز با انسان ها انس نمی گیرد مانند درندگان.

در تفسیر مجمع البیان آمده است در روز رستاخیز خدای دادگر حیوانات وحشی را که در این جهان برای امنیت خویش می گریزند همه را در کنار یکدیگر گرد خواهد آورد تا به فراخور حال آن ها داد مظلوم را از ظالم و تجاوزکار بگیرد و آن چه بر آن ها رفته است جبران گردد. از دیدگاه پاره ای آن چه به عنوان عوض به درندگان و جنبندگان داده می شود ماندگار است و آن حیوان، حیات و نعمت همواره خواهد داشت. اما به باور پاره ای دیگر موقتی است نه ماندگار. پاره ای برآنند که خدا از رهگذر فضل و فزون بخشی خویش به آن ها پاداشی ماندگار و مناسب می دهد تا رنج، درد، ستم و تجاوز را بزدايد و جبران شود؛ اما از دیدگاه پاره ای دیگر آن، پس از این که حق خویش را دریافتند به صورت خاک در می آیند.^۳

۱. همان، ص ۱۱۸.

۲. طبرسی، همان، ج ۷، ص ۲۸۵.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۷۷۳.

نتیجه‌گیری

حشر به معنای جمع کردن، برانگیختن و بیرون آوردن جماعت و گروه‌ها از جایگاهشان در روز قیامت و روانه کردن آن‌ها برای رسیدگی به اعمال و رفتارشان می‌باشد که آیات بسیاری از قرآن به این مسئله اشاره کرده‌اند.

بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی و شیخ طبرسی، حشر عمومیت دارد و نه تنها شامل انسان‌ها می‌شود بلکه سایر موجودات از جمله حیوان‌ها را هم شامل می‌شود که بر اساس تفاسیر المیزان و مجمع البیان حیوانات هم دارای فهم و شعور هستند و مانند انسان‌ها اختیار دارند. لذا در مقابل اعمال خود مکلف‌اند. بنابراین محشور می‌شوند و به طور قطع، ظلم‌هایی که بر ایشان تحمیل شده جبران می‌کنند؛ همچنین به حساب ظلم‌هایی که به دیگران کرده‌اند، رسیدگی می‌شود.

منابع

* قرآن

کتاب

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه: غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۹ هـ ش
۲. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۲۹، ۱۳۸۹ هـ ش
۳. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان، ترجمه: علی کرمی، بی جا، انتشارات فراهانی، چاپ اول، ۱۳۷۸ هـ ش
۴. علامی، ابوالفضل، معاد در قرآن و روایات، قم: زمزم هدایت، بی تا
۵. قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ هـ ش

سایت

- * [www. Andishegom.com](http://www.Andishegom.com) مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه‌ی علمیه قم، ساعت ۲۱:۴۵، ۱۳۹۹/۹/۶.